

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها

علی اشرف نظری^۱ مجتبی قلی‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۰

چکیده

با توجه به تأثیرات گسترده و ژرفی که پدیده نوظهور اینترنت در زیست فردی و اجتماعی بشر قرن بیست و یکمی بر جای گذاشته، امروزه فهم بسیاری از معادلات جهان سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع، بدون درک نقش آن غیرممکن می‌نماید. از همین رو، پژوهشگران و نویسندگان در حوزه‌های گوناگون دانش بشری، در باره اینترنت و تأثیر آن در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی در حال نظریه‌پردازی و ایده‌سازی هستند. در این میان، تأثیر این فناوری بر ظهور و رواج اشکال نوین تعاملات اجتماعی بین گروه‌های مختلف یک جامعه و در درون آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. گروه‌های قومی در کشورهای گوناگون؛ از جمله گروه‌هایی هستند که با بهره‌گیری از فضای مجازی اینترنت و امکانات گوناگون فراهم آمده در این گونه فضاها به اشکال نوین کنش و تعامل در درون خود و با گروه‌های دیگر روی آورده‌اند. در این مقاله کوشش خواهد شد تا ضمن تبیین چرایی استقبال این گروه‌ها، از کنش‌ها و تعاملات اینترنتی، از یک سو به فرصت‌ها و امکانات و از سوی دیگر، به تهدیدها و چالش‌های آن، با محور قرار دادن اصول هویت ملی، همبستگی ملی و حاکمیت ملی کشور پردازیم.

واژه‌های کلیدی: اینترنت، فضای مجازی، اجتماعات مجازی، گروه‌های قومی، کنش‌ها و تعاملات قومی

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران aashraf@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران Mojtaba.gp@gmail.com

مقدمه

امروزه دگرگونی ژرفی که در فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی رخ نموده، موجب تغییر در پارادایم فناوری، از فناوری صنعتی به فناوری اطلاعاتی شده است؛ تا آنجا که شاید بتوان گفت شبکه‌های الکترونیک رایانه‌ای، مهم‌ترین زیرساخت و نیروی پویای جهان جهانی شده‌ ما هستند. در آغاز قرن بیست و یکم، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICTs)؛ به ویژه اینترنت به عنوان بارزترین نمود آن‌ها، چنان پیشرفت کرده و رواج یافته‌اند که به نحوی بارز و چشمگیر در زندگی فردی و اجتماعی انسان امروزی نقش‌آفرینی می‌کنند. بسیاری معتقدند که اینترنت به عاملی همه‌جا حاضر در ارتباطات جهان قرن ۲۱ تبدیل خواهد شد. این فناوری جوان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام عرصه‌های حیات فردی و جمعی انسان تأثیر گذاشته و به‌ویژه در حال دگرگونی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، هویت و تعاملات اجتماعی است. با توجه به این دگرگونی غیرقابل انکار است که می‌توان گفت برای درک آنچه در عصر اطلاعات در دنیای کنونی پیرامون ما در حال رخ دادن است، نمی‌توان آثار گسترده و ژرف فناوری‌های اطلاعاتی؛ به‌ویژه اینترنت را نادیده گرفت.

نخستین مسأله مورد بررسی ما در این مقاله، تداوم و بازتولید عنصر قومیت و هویت قومی در فضا و ساختار رسانه‌ای جدید اینترنت - بنیان است. قومیت (همچنانکه مذهب و سنت)، چند موج همگون‌ساز را با بقا و تداوم پشت سر گذاشته و نشان داده که پاینده‌تر از آن است که نویددهندگان اعصار نوین زندگی بشر، سراسیمه و گاه خوش‌بینانه، در آغاز هر تحول بزرگی نوید می‌دهند. موج اول نویدها برای پایان عصر قومیت، همزمان بود با هژمونیک شدن فزاینده گفتمان روشنگری در قرن هیجدهم و نوزدهم، که بر اثر آن

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۳

مسأله قومیت و هویت قومی به مثابه «باورهای نادرست دوران‌های منسوخ و جوامع بدوی»، یا «اسطوره‌های غیرعقلانی»، و یا در بهترین حالت به عنوان «آرمان‌های تأسف‌آور ذهن‌هایی که قادر نبودند به دریافت هویت و مقام انسانیت خویش نائل شوند»، مردود اعلام می‌شد (Poster, 1998: 184). جنبش روشنگری به‌زودی توسط متفکرانی، چون روسو و مارکس که ابعاد تاریک روشنگری و مدرنیته را آشکار می‌کردند، مورد انتقاد واقع شد؛ اما این بار جنبش سوسیالیسم بود که با گسترش شتابان خود در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، پرچمدار سخن گفتن از زوال قومیت و هویت قومی شد و در مقابل، بر هویت طبقاتی و اصالت زیربنای اقتصادی بر روبناهای فرهنگی (که قومیت به‌مثابه یک هویت برساخته و مصداق آگاهی کاذب از جمله آنها بود) تأکید کرد؛ اما دو جنگ جهانی ویرانگر در نیمه نخست قرن بیستم، عده‌ای را بر آن داشت که قرن بیستم نه عصر «خروج انسان از نابالغی خودخواسته خویش» (چنانکه فلاسفه عصر روشنگری پنداشته بودند) و نه حتی عصر غلبه شکاف‌های طبقاتی؛ بلکه بیش از هرچیز عصر ناسیونالیسم دولت‌محور است. و بالاخره آخرین موج نویددهندگان زوال قومیت از نیمه دوم قرن بیستم، همزمان با گسترش اندیشه و فرایند جهانی شدن ظهور کردند. بسیاری جهانی شدن را فراگردی یکپارچه‌کننده و همسان‌ساز می‌دیدند که به‌زودی تفاوت را به تاریخ می‌سپارد و قومیت را با مفاهیمی، چون: هویت جهانی، انسان جهانی، شهروند جهانی، انسان جهان- وطن و جهان بدون مرز جایگزین می‌کند؛ اما به‌زودی آشکار شد که همسان‌سازی جهانی شدن، فرایندی سرکوبگر نیز هست، و بدین ترتیب، مفاهیمی چون جنبش‌های همبستگی، هویت مقاومت، فرهنگ مقاومت، قومیت محوری، محلی‌گرایی، بومی‌گرایی و مانند آن سربرآوردند که نشان از تداوم علایق و تعلقات پیش‌عصر جهانی شدن به‌منزله برج و باروهای دفاعی مردمان سرکوب شده، در شرایط اوج جهانی شدن داشت؛ شرایطی که در آن، «دنیا و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد.» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۷) به این

ترتیب، قومیت و هویت‌یابی قومی، که از چهار موجی که گمان می‌رفت پایان آن را نوید می‌دهند، به سلامت گذر کرده، امروزه خود را در فضای مجازی ارتباطات اینترنتی، به مثابه جدیدترین و پرنفوذترین وجه جهان جهانی شده‌ما، بازتولید کرده است؛ و این همان مسأله‌ای است که ما در اینجا قصد داریم برخی از ابعاد آن را به کوتاهی واکاوییم.

برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد اینترنت، که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت، در مقایسه با اشکال رسانه‌ای پیشین، باعث شده تا افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف با افکار و عقاید، سنت‌ها، آداب و رسوم، زبان، مذهب و به طور کلی، هویت‌های متفاوت بتوانند از این فضاهای جدید؛ از جمله وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها، چت‌روم‌ها یا اتاق‌های گفت‌وگو، شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های مجازی و دیگر امکانات فراهم شده در فضای سایبر به منظور دست‌یابی به اهداف خود؛ به‌ویژه صدادار کردن خود و تقویت هویت‌های مقاومت در مقابل امواج همگون‌ساز عصر جهانی شدن بهره‌گیرند؛ در حالی که برخی معتقدند شبیه‌بودگی فرهنگی ناشی از جهانی شدن، گروه‌های فرهنگی محلی و خرد را تحت نفوذ خود درآورده و به تعبیری در خود حل می‌کند؛ ولی شواهد موجود چه در جهان واقعی و به‌ویژه در جهان مجازی بر عکس این امر دلالت دارند؛ به این معنا که امروزه مقوله قومیت و هویت قومی از اهمیت و نمایانی خاصی برخوردار شده و به روشنی می‌توان با نمودهای آشکار آن در فضای مجازی نیز مواجه گردید.

نگاهی کلی به نحوه حضور و کنش گروه‌های قومی در فضای مجازی نشان‌دهنده آن است که شاخص‌ها و نماگرهای قومی در اینترنت نه تنها رو به زوال نهاده‌اند؛ بلکه به اشکال گوناگون در سراسر فضای مجازی حاضرند. این حضور را در عناوین انتخاب شده برای پایگاه‌های اینترنتی، در نمادها، عکس‌ها و نوشته‌هایی که بر هویت قومی نگارنده خود گواهی می‌دهند، اسامی و آدرس‌های انتخاب شده برای وبلاگ‌ها، آدرس‌های ایمیل و گروه‌های اینترنتی، راه اندازی اتاق‌های گفت‌وگو، گروه‌ها و یا صفحات شبکه‌های اجتماعی

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۵

مربوط به یک قوم خاص، ترجیح در استفاده از زبان‌های قومی و محلی در نگارش برخی متون و نیز ارتباطات درون‌قومی رایج در چت‌روم‌ها، شبکه‌های اجتماعی مجازی و بسیاری موارد دیگر به‌وضوح می‌توان مشاهده نمود.

با توجه به مقدمه بالا، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش هستیم: اول اینکه «چرا اینترنت با اینکه یک فناوری بسیار جدید است، توانسته چنین جایگاه برجسته‌ای در کنش‌ها و تعاملات درون‌گروهی و بین‌گروهی جوامع امروز؛ به‌ویژه برای گروه‌های قومی به‌دست آورد؟» به عبارت دیگر، چه ویژگی‌ها و تمایزاتی ارتباطات مجازی اینترنتی را چنین جذاب نموده و نقش بارزی برای اینترنت در تعاملات قومی جهان امروز رقم زده است؟» پرسش دومی که خواهیم کوشید بدان پاسخ دهیم، این است که «کنش‌ها و تعاملات مجازی اقوام از طریق امکانات گوناگون فضای سایبر، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای یک ملت- دولت، انسجام فرهنگی- سیاسی و حاکمیت ملی آن ایجاد می‌کند؟» در پاسخ به این پرسش‌ها، به دنبال آزمون این فرضیه‌ایم که «برخی از ویژگی‌های ساختار متمایز ارتباطات اینترنتی؛ از جمله نظارت‌پذیری اندک، تعاملی بودن، انعطاف‌پذیری هویتی، ارزانی نسبی و بی‌مکانی و بی‌زمانی، به تمایز آن از ساختارهای رسانه‌ای پیشین منجر شده و فضای مساعد و مطلوبی را برای شکل‌گیری انواع فعالیت‌های مجازی؛ به‌ویژه برای قومیت‌ها فراهم نموده است. از سوی دیگر، کنش‌ها و تعاملات مجازی گروه‌های قومی پدیده‌ای ژانوسی و متناقض‌نماست که برخی از فرصت‌ها و تهدیدها را همزمان برای جامعه ملی به همراه می‌آورد». در این میان با مدیریت صحیح و هوشمندانه که ناشی از شناخت دقیق و همه‌جانبه این پدیده‌های نوظهور است، می‌توان از فرصت‌های به‌ارمغان آمده حداکثر بهره‌برداری را در راستای وحدت و انسجام ملی و فرهنگی- سیاسی به عمل آورد و در مقابل چالش‌ها و تهدیدهایی را که اغلب در راستای ایجاد شکاف و تفرقه در

جامعه ملی، شکاف در هویت یکپارچه ملی و تضعیف حاکمیت ملت-دولت عمل می‌کنند، به حداقل رسانده، حتی به فرصت تبدیل کرد.

۱- اینترنت و ویژگی‌های آن

نتایج پژوهش‌های انجام شده درباره تجلی هویت قومی در فضای رسانه‌ای به نام اینترنت که از مهم‌ترین نموها و در واقع، ابزارهای جهانی شدن و یا جهانی‌سازی است، تأمل برانگیز است. یک جستجوی ساده در یکی از موتورهای جستجوی اینترنتی، ما را به این واقعیت رهنمون خواهد کرد که اینترنت که از یک سو به واسطه ماهیت جهان‌گستر و بالقوه همگانی خود، دارای پتانسیل بالایی در تقویت ساختارهای عام جهانی و ترویج مشابهت‌ها و یکسان‌نگری‌های فرهنگی و نگرشی است؛ از سوی دیگر، در تقویت خاص‌گرایی‌های فرهنگی نیز عملکرد قابل توجهی داشته است. انواع وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، گروه‌های مجازی و اتاق‌های گفتگوی متعلق به یک قومیت خاص و یا به‌طور کلی‌تر گروه‌هایی که به نوعی در جستجوی هویتی مشابه و متفاوتند، نشان از آن دارد که اینترنت، فضایی قدرتمند برای ابراز هویت یا فرایندهایی است که از آن به «هویت‌یابی» یا «هماندسازی» تعبیر می‌شود. چرا اینترنت توانسته نقشی چنین برجسته را در کنش، تجلی و تعامل انواع گروه‌های اجتماعی؛ از جمله قومیت‌ها در فضای مجازی ایفا کند؟ در پاسخ به این پرسش، چنین به نظر می‌رسد که پنج ویژگی متمایزساز کلیدی، اینترنت را به‌عنوان کارآمدترین و کاربردی‌ترین رسانه جهان امروز در راستای اهداف گروه‌های قومی مطرح می‌نماید:

الف) نظارت‌پذیری کمتر و احساس امنیت و آزادی بیشتر: فرهنگ خودمختاری: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اینترنت که به‌ویژه در مقولاتی نظیر مسائل قومی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند، نظارت‌پذیری بسیار اندک آن است؛ به‌طوری که در مقایسه با سایر فناوری‌های رسانه‌ای، آزادی چشمگیری به آن بخشیده است. چنانکه کاستلز در جدیدترین اثرش

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۷

استدلال می‌کند، ساختار نامتمرکز اینترنت که او آن را از جمله «فناوری‌های آزاد» می‌داند، در پیوند با نوعی از فرهنگ است که آن را «فرهنگ خودمختاری» می‌نامد. از نظر او:

خودمختاری اشاره دارد به ظرفیت یک کنشگر اجتماعی برای تبدیل شدن به سوژه، از طریق تعریف کنش خود پیرامون برنامه‌های ساخته شده به‌طور مستقل از نهادهای جامعه براساس ارزش‌ها و منافع آن کنشگر اجتماعی (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۹۵)

اینترنت پلتفورم ارتباطی مورد نیاز برای ترجمه فرهنگ آزادی به اعمال خودمختاری را فراهم می‌کند؛ زیرا توانایی ارتباط خودمختار، شبکه‌بندی و ایجاد معنای مستقل، به‌اشتراک‌گذاری این معنا و سازماندهی مستقل را به شهروندان می‌دهد.

این ویژگی می‌تواند به‌ویژه در تجلی صورت‌هایی از ارتباط مؤثر باشد که در فضای غیرمجازی/ واقعی به دلایل مختلف دشوار یا غیرممکن به‌شمار می‌روند. فضای خودمختار اینترنت با ایجاد احساس امنیت و آزادی بیشتر، افزون بر جلب مشارکت ارتباطی بیشتر، بر صراحت عملکرد و پیام‌های افراد و گروه‌ها می‌افزاید و تأثیری مستقیم بر تقویت مکانیزم‌های خوددیرازی^۱ فردی و گروهی دارد. ساختار نسبتاً آزاد و خودمختار اینترنت، در موضوع‌هایی همچون چالش‌های قومی که عموماً فارغ از رویکردهای تند مخالف و انتقادی؛ به‌ویژه نسبت به دولت‌های ملی متبوع خود نیستند، می‌تواند به فعالیت بیشتر این گروه‌ها در این حیطه و استفاده از امکانات آن بینجامد (ر.ک: فکوهی و عیاری، ۱۳۸۸).

رسانه‌های نوین از جمله اینترنت، شیوه‌های جدیدی از عمومیت ایجاد می‌کنند که بر اثر آن اخبار و تصاویری که ارائه می‌شوند، نمی‌توانند به‌طور کامل تحت کنترل گروه‌های حاکم، خواه شرکت‌ها و خواه دولت‌ها قرار گیرند. بنابراین، آنها این امکان را

فراهم می‌کنند که عقاید حاشیه‌ای نیز گوش شنوایی بیابند و مخاطبانی پیدا کنند. با توجه به این قابلیت است که داگلاس کلنر (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که رسانه‌هایی نظیر تولید فیلم و ویدیو، رادیوی محلی و صفحه آگهی‌های رایانه؛ به‌ویژه برای چیزی که آن را فعالیت رسانه‌ای رادیکال^۱ می‌نامند، مناسبند (نش، ۱۳۸۰: ۱۲۴). کاستلز این قابلیت بی‌نظیر اینترنت در ایجاد فضای ارتباط آزاد را با استفاده از مفهوم «خودارتباطی توده‌ای^۲» مفهوم‌بندی کرده است. از نظر او:

خودارتباطی توده‌ای؛ یعنی کاربرد اینترنت و شبکه‌های بی‌سیم به عنوان پایگاه‌های ارتباط دیجیتال (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۴).

ویژگی اساسی این نوع ارتباط علاوه بر توده‌ای بودن؛ یعنی شمولیت تمامی افراد حاشیه‌ای و بیرون از دایره قدرت تنها با داشتن دسترسی به اینترنت، دشواری کنترل آن توسط حکومت‌ها و شرکت‌هاست. البته، در اینترنت هم امکان اعمال نظارت، محدودیت و سانسور به اشکال مختلف وجود دارد؛ ولی در مجموع شرایط بسیار انعطاف‌پذیر، باز و آنارشی گونه آن موجب می‌شود افراد و گروه‌ها اینترنت را بسیار فعالانه‌تر و با اطمینان خاطر بیشتر نسبت به هر رسانه دیگر برای اعمال فرایندهای ضد قدرت به کار گیرند.

(ب) تعاملی بودن^۳: قدرت واقعی اینترنت و ویژگی‌ای که آن را از رسانه‌های سنتی‌تر متمایز می‌کند، پتانسیل آن برای تعاملی بودن است. تعاملی بودن مفهومی است که با فناوری‌های ارتباطی جدید در پیوند است. ویلیامز و همکارانش می‌نویسند: «تعاملی بودن به میزان کنترل شرکت‌کنندگان بر فرایند ارتباطی و توانایی تغییر نقش‌های آنها در یک گفتگوی

1. Radical Media Activism

2. mass self-communication

3. Interactivity

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۹

دو طرفه اشاره دارد» (Williams, 1988:10). از نظر کیوسیس که کوشیده تعریفی جامع، سنتزگونه و چندجانبه از تعاملی بودن ارائه دهد:

تعاملی بودن به میزانی اشاره دارد که یک فناوری اطلاعاتی می‌تواند یک محیط رسانه‌ای شده^۱ ایجاد کند که در آن مشارکت‌کنندگان می‌توانند هم به صورت همزمان و هم غیرهمزمان ارتباط برقرار کنند(چه به صورت یکی به یکی، یکی به بسیاری و یا بسیاری به بسیاری) و در تبادلات دوسویه پیام مشارکت جویند (Kiousis, 2002: 379).

تعاملی بودن در ادبیات سنتی و نوین ارتباطات دست‌کم برای توصیف دو وضعیت به‌کار رفته است:

۱- تعاملی بودن به‌مثابه ویژگی و کارکرد خود رسانه (در اینجا تعاملی بودن ناشی از قابلیت‌های فنی و عینی یک رسانه است)؛

۲- تعاملی بودن به‌مثابه ویژگی‌ای که به ادراک یا برداشت مشارکت‌کنندگان در فرایند ارتباط بستگی دارد(در این برداشت آنچه مهم است، درک کنشگر یا مشارکت‌کننده از ساختار ارتباط است).

اما هر کدام از این دو منظر را در نظر بگیریم، آنچه ثابت است، این است که توانایی دریافت‌کننده پیام برای پاسخگویی به فرستنده پیام، عنصر کانونی مفهوم تعاملی بودن است. با در نظر گرفتن این عنصر کانونی، به نظر می‌رسد بتوانیم بگوییم تعاملی بودن بیش از هر چیز ویژگی ساختار کانال ارتباطی است که عمل ارتباط از طریق آن رخ می‌دهد؛ زیرا حتی اگر تعریف روان‌شناختی مبتنی بر برداشت مشارکت‌کننده را بپذیریم، درک کنشگر از ساختار

در خلأ رخ نمی‌دهد؛ بلکه در ارتباط مستقیم با امکانات و محدودیت‌هایی است که ساختار برای او فراهم می‌کند.

در ساختار تعاملی اینترنت، هر کاربر به‌طور بالقوه قادر به ایجاد پیام و ارسال آن برای شمار فراوانی از افراد دیگر است. این در حالی است که رسانه‌های جمعی دیگر همچون رادیو و تلویزیون، روزنامه و... غالباً یک‌سویه بوده و براساس یک نظم بالا به پایین یک طرفه، به انتقال اطلاعات می‌پردازند. از این منظر، اینترنت بیش از هر رسانه دیگر، یک رسانه جمعی^۱ به‌شمار می‌رود؛ زیرا هر کاربر نه تنها دریافت‌کننده اطلاعات است؛ بلکه خود می‌تواند منبع تولید، پردازش و انتقال اطلاعات نیز باشد (عیاری، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۳). در اینترنت افراد صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند؛ بلکه می‌توانند هر دو نقش را همزمان داشته باشند. در اینترنت سلسله مراتب ارتباطی ضعیف می‌شود و همراه با آن، فرد مجال بیشتری برای ارائه هویت مورد نظر خود پیدا می‌کند. ارتباط نیز دوسویه بوده، جای گوینده و مخاطب پیوسته عوض می‌شود. از این لحاظ، اینترنت انقلابی در صنعت ارتباطات ایجاد کرد. فراتر از آن، اینترنت یک ابرمتن^۲ است که در آن متن‌های مختلف به هم پیوستگی دارند و بین آنها ارتباط برقرار می‌شود. تعاملی بودن ابرمتن به آن خصلت گفت‌وشنودی می‌دهد؛ زیرا در ابرمتن تأکید اصلی بر ارتباط است، نه کنش (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۴).

قابلیت تعاملی بودن، اینترنت را به فضایی گفتگومانی متشکل از گفتمان‌های متفاوت و بعضاً رقیب تبدیل می‌کند که در این فضا گفتمان‌های مربوط به گروه‌های حاشیه‌ای و خاموش نیز به متن آمده و یک محیط گفت‌وگویی واقعی؛ اما در فضای مجازی به‌وجود

1. Mass Media

2. Hypertext

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۱۱

می‌آورد. دوسویگی اینترنت آن را به رسانه‌ای بس مهم‌تر از وسیله صرف انتقال اطلاعات تبدیل می‌کند و روابط بین شهروندان، احزاب، رسانه‌های جمعی، گروه‌های فرهنگی، سازمان‌های مدنی و غیرحکومتی را تقویت و تحکیم نموده، موانع متعارف برای مشارکت سیاسی و مدنی افراد و گروه‌ها را تا اندازه قابل توجهی از میان برمی‌دارد (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۸). در چنین ساختاری است که هویت قومی فضایی برای عملیات بازنمایی خود می‌یابد و فرصت پیدا می‌کند تا در گفتگویی وارد شود که پیش از این در آن تنها نقش شنونده را داشت.

(ج) رهایی از قید مکان و زمان: تکنولوژی اطلاعاتی فضا و فاصله را تا حدود زیادی از میان برداشته است. در سده نخست هزاره پیش رو، ما شاهد آن چیزی خواهیم بود که آن را «مرگ یا زوال فاصله» خوانده‌اند. با خلق اجتماعات مجازی دارای منافع و علائق مشترک - که برخی آنها را جوامع انتخاب یا قبایل ذوقی و تفننی نامیده‌اند - پیرامون گره‌های ساختار بی‌مکان اینترنت، مرزهای فیزیکی محله‌ها و محدودیت ناشی از موقعیت‌های شغلی و تجاری رفته‌رفته از بین می‌روند (صدوقی، ۱۳۸۴: ۱۹). اینترنت به سبب ویژگی‌های جهانی و شبکه‌ای بودن، مرزها را درنور دیده و تمامی افراد در هر جای دنیا می‌توانند به فضای مجازی دسترسی داشته، به تولید اطلاعات بپردازند، که این امر به حذف فاصله‌ها انجامیده است. از بین رفتن فاصله مکانی و افزایش بی‌سابقه توان انسان‌ها برای مبادله و مراوده با یکدیگر - که حفظ و گسترش هم‌زمانی و همدلی بین آنها را ممکن می‌کند - فرایند و برآیند هویت‌یابی جمعی افراد را دگرگون کرده و گروه‌ها و جماعت‌های مجازی دور از هم؛ اما در دسترس را پدید آورده است (منتظر قائم، ۱۳۸۰: ۲۳۱).

علاوه بر بی‌مکانی، بی‌زمانی یا زمان‌زدایی نیز از ویژگی‌های منحصر به فرد تکنولوژی ارتباطی نوین است. کاربر اینترنتی هر زمان و به هر میزان که بخواهد، می‌تواند از این رسانه استفاده کرده و به جستجوی اطلاعات یا تولید اطلاعات و محتوا بپردازد.

محدودیت زمانی در استفاده از اینترنت و محتوای آن وجود ندارد. برای آگاهی از اطلاعات موجود در یک وبسایت یا وبلاگ خاص ضرورتی ندارد که کاربر در یک زمان مشخص به اینترنت متصل شود. معمولاً داده‌های موجود در این گونه فضاها تا مدت قابل توجهی در آرشیو مطالب قرار می‌گیرند. سرعت انتقال اطلاعات از مکانی به مکان دیگر با استفاده از اینترنت به‌راستی زمان و مکان را به تسخیر انسان درآورده است. بی‌زمانی و بی‌مکانی ارتباطات مجازی آثار متعددی را بر تعاملات مجازی برجای می‌گذارد. در پرتو تکنولوژی‌های اطلاعاتی - ارتباطی پیشرفته، جهان فرهنگی ما به‌شدت سیال و متحرک شده و به‌ویژه ارتباط میان «فرهنگ» و «مکان» (تعلق نوع خاصی از فرهنگ به ساکنان یک مکان خاص) اگرچه از میان نرفته؛ ولی به‌شدت تضعیف شده است. به سبب تحلیل رفتن عامل جغرافیا و مکان فیزیکی در اینترنت، اجتماعات مجازی تابع بسیاری از محدودیت‌های ناشی از فواصل جغرافیایی نبوده و از این لحاظ قادرند دامنه بسیار گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی را پدید آورند که تا کنون مشابه آن وجود نداشته است.

مبنای تعامل و ارتباط در جهان مجازی، تجمع فیزیکی در یک مکان خاص و زمان معین نیست؛ بلکه نقاط اشتراک دیگری، چون: زبان، مذهب، جنسیت، نگرش سیاسی، آرمان‌های مشترک، رشته‌های تخصصی و در مورد موضوع ما قومیت، انگیزه اصلی چنین تعاملاتی خواهد بود. ویژگی بی‌مکانی تعامل مجازی می‌تواند گروه‌های قومی پراکنده در سراسر جهان را در یک نامکان مجازی گرد هم آورده و بنابراین، رابطه بین پراکندگی مکانی و فرسایش هویتی را خنثی و یا حداقل تضعیف کند. بر اثر این تعاملات نوین، مفهوم قومیت، دیگر با مفهوم وطن مشترک همراه نیست و هویت قومی می‌تواند بدون شرایط همزیستی مکانی نیز وجود داشته باشد. در این معنا، ما شاهد اهمیت روزافزون فضای جریان‌ها در برابر فضای مکان‌ها هستیم. بنابراین، قومیت به‌طور روزافزونی از یک

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۱۳

مفهوم در پیوند با مکان، به مفهومی در پیوند با جریان‌های هویتی مجازی تبدیل خواهد شد.

(د) انعطاف‌پذیری هویتی: در جهان مجازی اینترنت و به سبب قابلیت‌های آن، افراد نه تنها در موقعیت‌های مجازی گوناگون «خود»های متفاوتی را اختیار می‌کنند؛ بلکه قادر به اختیار کردن هویت‌های جدیدی آن‌طور که خود دوست دارند نیز هستند. مطالعات پیمایشی نشان داده که کاربران اینترنتی تمایل دارند از این قابلیت استفاده و برای خود هویت‌های جدیدی را پایه‌ریزی کنند. گافمن بر این باور است که یک فرد وقتی در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی قرار می‌گیرد، سعی می‌کند «خود»های متناسب با موقعیت موردنظر را انتخاب کند و نقش آن خود را به‌طور احسن اجرا نماید. این امر دقیقاً مانند عملکرد یک بازیگر تئاتر است که نقش شخصیت‌های متفاوت را در یک تئاتر و یا تئاترهای مختلف بازی می‌کند (رشید صوفی، ۱۳۸۵: ۴). دیدگاه گافمن در مورد جهان واقعی نیز تا حدودی صدق می‌کند؛ هر چند اختیار و اجرای خودها و هویت‌های متفاوت در جهان واقعی دشوار و دارای محدودیت زیادی است؛ اما در یک اتاق گفتگو (چت روم)، یک مرد می‌تواند خود را یک زن، یک سفیدپوست خود را یک سیاه‌پوست و یک فرد فقیر خود را یک ثروتمند معرفی کرده و با این هویت‌های جدید ضمن تعامل با دیگران و طرح آرمان‌ها، خواسته‌ها و انتقادات خود، از پیامدهای منفی احتمالی آن نیز تا حدودی آسوده خاطر باشد. در واقع، شاید بتوان گفت که تأثیر فضای مجازی بر هویت به تفکیک دو نوع هویت به اصطلاح آفلاین و آنلاین منجر می‌گردد. در تعریف این دو نوع هویت می‌توان گفت که هویت آفلاین در واقع معادل هویت واقعی و عینی ماست که به‌وسیله عواملی که کنترل آنها سخت و یا از اختیار انسان خارج است؛ از قبیل: نژاد، طبقه، محل تولد، شغل و سطح تحصیلات تعیین می‌شود؛ اما در مقابل، هویت آنلاین بسیار انعطاف‌پذیرتر است و منظور از آن هویتی اجتماعی است که کاربران اینترنتی در اجتماعات مجازی اینترنت برای خود

پایه‌ریزی می‌کنند. افراد با استفاده از هویت‌های آنلاین آزاد هستند که خود را آن گونه که دوست دارند، بازتعریف کنند.

فضای مجازی اینترنت باعث حذف جسمیت فرد و این آزادی موجب تجربیات متعددی می‌شود؛ به طوری که فرد می‌تواند هویت‌هایی را ایجاد کند که هیچ‌گاه در جهان واقعی قادر نبوده است آنها را تجربه کند. این خودهای متکثر دلالت بر هویت‌های موقتی، سیال و ساخته شده‌ای دارد که در فضای مجازی قادر به ظهور و بروز هستند. در فضای مجازی افراد از خصیصه «گمنامی»^۱ برخوردارند و این گمنامی به آنان آزادی بیشتری می‌دهد و فرد با استفاده از این ویژگی و توسعه هویت‌های خود، به کسب تجاربی می‌پردازد که در زندگی واقعی امکان تجربه کردن آنها فراهم نیست. بدین ترتیب، فرد نمی‌تواند زندگی واقعی را برتر از زندگی مجازی بداند؛ بلکه به نوعی میان زندگی واقعی و زندگی مجازی خود توازن برقرار می‌کند و آن دو را همسان می‌پندارد. آزادی برآمده از گمنامی تعاملات اینترنتی، می‌تواند به شناخت ابعاد ناشناخته و گاه پنهان وجود فرد و در نهایت، به بروز این ابعاد منتهی شود. همچنین، فرد می‌تواند خود را آن گونه که مایل است معرفی کند و نقش‌های بسیار متفاوت و گاه متناقض با زندگی واقعی‌اش بپذیرد (قادی و کاشانی، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۲).

افراد در جهان مجازی نه تنها قادرند هویت و یا خود متفاوتی داشته باشند؛ بلکه قادرند در یک لحظه دارای چندین هویت باشند و نیز چندین فرد (مثلاً یک گروه) می‌توانند با استفاده از یک هویت یکسان در جهان مجازی به تعامل بپردازند. با توجه به این قابلیت افراد و گروه‌ها صرف‌نظر از نژاد، رنگ پوست، مذهب، قومیت، فقیر یا غنی بودن و دیگر تفاوت‌ها و تمایزات اعتباری و ساختگی می‌توانند ایده‌های خود را مطرح کرده و صدای

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۱۵

خود را به گوش جهانیان برسانند. چنین فضایی نوعی دموکراسی به همراه خود دارد که در آن هر کس صرف‌نظر از تمایزات و تفاوت‌های اعتباری، قابلیت صدا دار شدن پیدا می‌کند و امکان بحث با هر کس و هر طرز تفکری وجود دارد. ویژگی انعطاف‌پذیری هویتی و گمنامی هویتی با ره‌ایش کاربر از همه محدودیت‌ها و تابوها، ممنوعیت‌های عرفی و قانونی و به‌طور کلی ساختارزدایی از فضا، ویژگی احساس امنیت و آزادی در فضای مجازی را که پیش‌تر اشاره کردیم، نیز تقویت می‌کند.

(ذ) ارزانی نسبی ارتباطات اینترنتی: رسانه‌های سنتی مانند رادیو و تلویزیون همگی به‌وسیله سازمان‌های بزرگی اداره می‌شوند که به بودجه‌های مالی بسیار کلانی نیاز دارند. ابزار مورد نیاز این رسانه‌ها بسیار گران و پرهزینه است و تنها دولت‌ها یا سازمان‌های بزرگ و یا افراد بسیار قدرتمند قادر به تأمین مخارج این سازمان‌ها هستند. بنابراین، بسیاری از گروه‌های اجتماعی بنا به دلایل گوناگون، قادر به تأمین هزینه‌های بالای این سازمان‌های رسانه‌ای نیستند و در نتیجه، امکان بازنمایی خود را از دست می‌دهند (منتظر قائم و تاتار، ۱۳۸۴: ۲۲۷). این در حالی است که امروزه هزینه راه‌اندازی یک وب‌سایت که از قابلیت بالای چندرسانه‌ای^۱ بودن نیز برخوردار است، چندین برابر کمتر از حتی راه‌اندازی و انتشار روزنامه است. این تفاوت هزینه‌ها هنگامی آشکارتر می‌شود که هزینه هنگفت مورد نیاز برای راه‌اندازی یک ایستگاه رادیویی یا تلویزیونی را با ایجاد رایگان وبلاگ، چت‌روم و گروه اینترنتی مقایسه کنیم.

با توجه به سرسام‌آور بودن هزینه‌ها و محدودیت‌های متعدد دیگر برای راه‌اندازی و مدیریت رسانه‌هایی، چون: رادیو، تلویزیون و نشریات چاپی، این رسانه‌ها هر چه بیشتر حالتی الیگارشیک و یک‌طرفه و مبتنی بر منافع گروهی محدود که در جهان سرمایه‌داری،

اغلب صاحبان صنایع و غول‌های رسانه‌ای و تجاری هستند، پیدا کرده‌اند و بنابر این، معمولاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل‌های سیاسی قرار داشته و حتی در کشورهای مدعی پلورالیسم رسانه‌ای و دموکراسی غربی، تحت کنترل سرمایه‌داران و وابستگان آنها و در راستای ترویج ایدئولوژی سرمایه‌داری حاکم قرار گرفته‌اند. این در حالی است که ارزان و کم‌هزینه بودن بازنمایی فرهنگی - هویتی و انتقال اطلاعات و صداها به‌واسطه اینترنت، این امکان را برای گروه‌های خاموش، حاشیه‌ای، اقلیت‌ها و به‌طور کلی گروه‌های محروم‌تر؛ به‌ویژه به لحاظ اقتصادی، فراهم می‌کند تا صدای خود را با حداقل هزینه‌ها به گوش دیگران برسانند. به مجموعه پنج موردی بالا می‌توان موارد دیگری چون: فقدان سلسله مراتب و سازمان‌دهی متصلب در اینترنت، تنوع داده‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده، تمرکززدایی، و بسیاری خصوصیات دیگر را نیز افزود. خصوصیات که در مجموع اینترنت را به یک رسانه بی‌بدیل برای صدادار شدن گروه‌های خاموش، ایجاد هویت‌های متنوع و طرح مسائل و مشکلات و آرمان‌های این گروه‌ها و به‌ویژه قومیت‌ها تبدیل کرده است. در نتیجه این امکانات فراهم آمده در فضای مجازی، قومیت‌ها و نیز سایر گروه‌های موجود در جامعه، اینترنت را جایگاهی مناسب برای ارتباط، کنش^۱ و همکنش (تعامل)^۲ یافته، فضای کنشی-تعاملی گسترده‌ای در فضای مجازی به‌وجود می‌آورند.

۲- کنش‌ها و تعاملات قومی در اینترنت: فرصت‌ها و چالش‌ها

با تأمل در سیر تحول جوامع بشری تا سال‌های پایانی قرن بیستم، مشخص می‌شود که «وقایع تاریخ‌ساز» عموماً همراه با بروز «نامنی‌های کلان» بوده‌اند. به عبارت دیگر، هرآنچه

1. Action

2. Interaction

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۱۷

نقطه عزیمت به‌شمار آمده و به دگرگونی گسترده و عمیقی در زندگی بشری منجر شده، حامل برخی از ناآمنی‌ها یا به عبارت بهتر، پیامدهای ناخواسته نیز بوده است و از این رو، پس از هر تحولی، تلاش برای رسیدن به وضعیت امن، اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که مقوله جهانی‌شدن و نیز زیرساخت‌ها و نمودهای آن؛ از جمله: انقلاب اطلاعاتی، گسترش رسانه‌ها و به‌ویژه گسترش ارتباطات شبکه‌ای اینترنتی نیز از این حکم کلی مستثنا نیست و انسان در آغازین سال‌های هزاره سوم، تحول تازه‌ای را می‌آزماید که تا پیش از این بی‌سابقه بوده است، چنانکه می‌توان گفت: «جهان گستری به‌سان شمشیر دو دم عمل می‌کند: هم آزاد می‌کند، هم سرکوب، گرد می‌آورد و یکپارچه می‌سازد؛ اما در عین حال می‌شکافد و سلسله مراتب تازه‌ای را پدید می‌آورد.» (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۴؛ به نقل از: افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۳).

در این پژوهش، حیطة آسیب‌شناسی و فرصت‌شناسی ما متمرکز بر شناخت تهدیدها و فرصت‌های فعالیت‌های مجازی اقوام، شامل تعاملات درون‌قومی و بین‌قومی و سایر نموده‌ها و تجلیات قومی؛ از جمله پدیده قوم‌گرایی اینترنتی یا قوم‌گرایی آنلاین است. از آنجا که تهدیدها و فرصت‌ها جنبه نسبی دارند؛ یعنی آنچه برای عده‌ای یا گروهی فرصت است، ممکن است در همان لحظه و به همان شکل برای عده‌ای یا گروهی دیگر جنبه تهدید داشته باشد؛ بنابراین، ما ناچار خواهیم بود که با تصریح یک امر مطلوب یا یک ارزش پذیرفته و مفروض، به شناخت این تهدیدها و فرصت‌ها بپردازیم. ارزش‌هایی چون انسجام و همبستگی ملی، هویت ملی و حاکمیت ملی، همان ارزش‌های مطلوبی هستند که ما با توجه به آنها به شناخت فرصت‌ها و چالش‌های فعالیت‌های قومی مجازی خواهیم پرداخت. با تکیه بر چنین ارزش‌هایی می‌توان مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای این نوع کنش‌ها و تعاملات را چنین برشمرد:

الف) فرصت‌ها:

۱- آگاهی از تقاضاها و حمایت‌های قومی در نتیجه گسترش حوزه عمومی و ظهور اشکال جدید مشارکت سیاسی: آگاهی از تقاضاها، مشکلات، مطالبات و نیازمندی‌های گروه‌ها، منزلت‌ها و طبقات مختلف ساکن در چهارچوب مرزهای سرزمینی یک نظام سیاسی و نیز حمایت‌های آنها (به‌مثابه دروندادهای نظام) و تلاش در پاسخگویی مناسب و بموقع به این تقاضاها و حمایت‌ها (به‌مثابه بروندادهای نظام)، شرط لازم بقا و سلامت هر نظام سیاسی است. در جامعه‌شناسی سیاسی مدرن گفته می‌شود کارکرد اساسی بیان منافع و تقاضاها معمولاً توسط احزاب و گروه‌های سیاسی و به‌طور کلی آنچه بدان «جامعه مدنی»^۱ اطلاق می‌شود، صورت می‌گیرد. به عقیده برخی از صاحب‌نظران حوزه رسانه‌ها، امروزه رسانه‌های مختلف و از جمله ارتباطات شبکه‌ای اینترنتی، حوزه عمومی جدیدی را فراهم نموده‌اند که افراد و گروه‌های مختلف قادرند در آن آزادانه به طرح تقاضاها و حمایت‌های خود با صراحت و شفافیت هر چه بیشتر بپردازند. حوزه عمومی عنصری اساسی در سازمان سیاسی - اجتماعی است؛ زیرا عرصه‌ای است که مردم به‌مثابه شهروندان گردهم آمده، دیدگاه‌های مستقل خود را به منظور تأثیرگذاری در نهادهای سیاسی جامعه مفصل‌بندی می‌کنند. از نظر مانوئل کاستلز^۲ امروزه حوزه عمومی به‌مثابه عرصه بحث و گفتگو درباره موضوع‌های عمومی، از سطح ملی به سطح جهانی انتقال یافته و به‌طور فزاینده‌ای پیرامون شبکه‌های ارتباط جهانی بنا شده است. امروزه رسانه در جامعه صنعتی به بخش مهمی از حوزه عمومی تبدیل شده است. کاستلز استدلال می‌کند که اگر شبکه‌های ارتباطی از هر نوعی، حوزه عمومی را شکل می‌دهند، پس جامعه ما؛ یعنی جامعه شبکه‌ای^۳، بیش از هر

1. Civil Society

2. Manuel Castells

3. Network Society

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ 19

شکل تاریخی دیگر سازمان، حوزه عمومی‌اش را بر مبنای شبکه‌های ارتباط رسانه‌ای سازمان می‌دهد. در عصر دیجیتال، این شبکه‌های ارتباط رسانه‌ای هم شامل انواع گوناگون رسانه‌های توده‌ای و هم اینترنت و شبکه‌های ارتباط بی‌سیم می‌شود (Castells, 2008: 78).

گروه‌های قومی معمولاً از این حوزه عمومی فراهم آمده پیرامون شبکه‌های ارتباطی اینترنتی به منظور طرح چالش‌ها و محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مشکلات اجتماعی خود، طرح انتظارات خود به عنوان بخشی از شهروندان جامعه ملی، انتقاد از سیاست‌ها و عملکردهای جاری و مواردی از این قبیل استفاده می‌کنند. این قابلیت ارتباطات شبکه‌ای فرصتی بی‌نظیر را برای هسته‌های تصمیم‌گیری نظام سیاسی کشور ایجاد می‌کند تا با آگاهی بی‌واسطه، ارزان و سریع از این تقاضاها و پاسخ مناسب و مقتضی، ضمن تأمین بقا و سلامت نظام سیاسی کشور، با جلب رضایت و حمایت این گروه‌ها، مشروعیت سیاسی خود را افزایش دهند.

اینترنت به مثابه یک حوزه عمومی با قابلیت‌های بی‌نظیر خود، دگرگونی ژرفی نیز در اشکال مشارکت سیاسی ایجاد کرده که صاحب‌نظران از آن با عنوان ظهور اشکال جدید یا پست‌مدرن مشارکت سیاسی در مقابل تضعیف اشکال سنتی آن یاد می‌کنند. اینترنت، شهروندان را توانا کرده است که برای طرح انتقادات و اعتراضات خود به جای توسل به اشکال نامتعارف مشارکت سیاسی، همچون: اعتراضات خیابانی، راهپیمایی‌های توده‌ای و تجمعات که معمولاً دربردارنده درجه‌ای از خشونت است، از طریق امضای طومارهای اینترنتی، طرح نظرسنجی‌های آنلاین، ارسال و دریافت ایمیل‌های اعتراضی، تجمعات مجازی، به‌راه‌انداختن توفان‌های توییتری، ترندینگ یا جریان‌سازی مجازی، راه‌اندازی و مشارکت در کمپین‌های اینترنتی - بنیان و سایر اشکال ممکن به طرح تقاضاها و اعتراضات خود به شیوه‌ای بسیار مسالمت‌آمیز و در عین حال کارآمد مبادرت ورزند (Stoolle,

251-250:2005). از جمله مصادیق مشارکت و درگیرشدگی سیاسی برخط در اینترنت می‌توان از ارسال پیام‌نگار (ایمیل) به مقامات حکومتی، فعالان سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی؛ عضویت در انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی آنلاین؛ نوشتن مقاله و یادداشت در وبسایت‌ها؛ طراحی وبسایت و وبلاگ‌های سیاسی شخصی و گروهی؛ امضای طومارها؛ شرکت در تریبون‌های بحث آنلاین؛ شرکت در نظرسنجی‌های اینترنتی؛ رأی‌دهی اینترنتی؛ سازمان‌دهی اعتراضات، پیوند دادن فعالان سیاسی در زمینه یک موضوع سیاسی - اجتماعی خاص و ارتباطات دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی نام برد (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۲۰۵؛ در مورد تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی و تحول آن همچنین نک: Polat, 2005: 435-459). قابلیت‌های اینترنت در گسترش حوزه عمومی و فرصت‌سازی برای اشکال نوین مشارکت سیاسی، در کلیت مسأله که عبارت است از طرح مسألت‌آمیز و آزادانه انتقادهای، تقاضاها و همچنین، حمایت‌ها با استفاده از فضاهای مشارکت و درگیرشدگی مدنی ایجاد شده توسط فناوری نوین، در یک نظام مردمی و پاسخگو که آمادگی لازم برای بهره‌گیری حداکثری از این فضای نوین را داشته باشد، بیش‌تر یک فرصت تلقی می‌شود؛ هرچند نظام‌های سیاسی بسته و غیرپاسخگو ممکن است آن را به‌عنوان یک چالش و یک مسأله امنیتی تلقی کنند.

۲- تقویت سرمایه اجتماعی گروه‌های قومی و به تبع آن کل جامعه ملی: درباره مفهوم سرمایه اجتماعی^۱، تعریفی واحد، مشخص و همه‌پذیر وجود ندارد. پیر بوردیو^۲ در مقاله‌ای با عنوان *اشکال سرمایه می‌نویسد:*

1. Social Capital

2. Pierre Bourdieu

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۲۱

سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع بالفعل یا بالقوه ناشی از بهره‌مندی از شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه‌ای که مبتنی بر آشنایی یا شناخت متقابل است؛ یا به عبارت دیگر، مجموع منابع ناشی از عضویت در یک گروه که برای هر یک از اعضایش پشتوانه‌ای از سرمایه مشترک فراهم می‌کند (Bourdieu, 1986).

جیمز کلمن^۱، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع تعریف می‌کند که در گروه (همچون خانواده یا یک سازمان اجتماعی) وجود دارد و موجب تسهیل شکل‌گیری اعمال اعضا می‌شود. از دید رابرت پوتنام^۲، سرمایه اجتماعی به سه مؤلفه از زندگی اجتماعی؛ یعنی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد باز می‌گردد که به اعضا امکان تعقیب بهتر اهداف مشترک را می‌دهد. از دید فوکویاما^۳ سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی مشترک بین اعضای یک گروه که آنان را قادر به همکاری با یکدیگر می‌کند، تعریف کرد (مستقیمی و واسعی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۸۰-۲۸۱). از قدر مشترک این تعریف‌ها می‌توان دریافت که منظور از سرمایه اجتماعی، املاک، دارایی‌های شخصی یا پول نیست؛ بلکه منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیای محسوس در زندگی روزمره مردم بیشتر به حساب بیایند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، حس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (Hanifan, 1961:130-131). به عبارت دیگر، مفهوم سرمایه اجتماعی، نشان‌دهنده این است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی نیروبخش برای افراد آن گروه عمل کند (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲). با در نظر گرفتن این توضیحات مختصر

1. James Coleman

2. Robert Putnam

3. Fukuyama

پیرامون مفهوم سرمایه اجتماعی، برخی از محققان معتقدند که تعاملات اینترنتی به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. ولمنت معتقد است اینترنت با ایجاد اشکال نو تعامل و افزایش روابط خارج از شبکه، فراهم آوردن فضای ملاقات برای افراد دارای علایق مشترک و غلبه بر محدودیت‌های زمان و مکان، ترویج گفتگوی آزاد و دموکراتیک در جوامع اینترنتی، تقویت اقدام دسته‌جمعی و جز آن، به تجدید حیات اجتماع می‌انجامد (Wellment, 2001: 438). کاتز و رایس نیز معتقدند که اینترنت به جای اینکه تعاملات اجتماعی را کاهش دهد، باعث افزایش آنها شده، به نوع جدیدی از سرمایه اجتماعی منجر شده است. لیونگ و لی نیز بر این نقش اینترنت تأکید دارند و معتقدند با تکیه بر ارتباط مفهومی که پوتنام بین «مشارکت اجتماعی»، «سرمایه اجتماعی» و «کیفیت زندگی» برقرار می‌کند، تحقیقات گسترده‌تر نشان داده‌اند که استفاده زیاد از شبکه رایانه‌ای و اینترنت به طرز چشمگیری بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این امر در دو سطح عمل می‌کند: در سطح بین گروهی که سرمایه اجتماعی بین افراد یک گروه بالا می‌رود و در سطح دوم سرمایه اجتماعی در کل جامعه افزایش می‌یابد؛ زیرا هنگامی که گروه‌های مختلف یک جامعه احساس برابری نمایند، اطمینان و اعتماد بیشتری بین آنها به وجود خواهد آمد و با یکدیگر پیوندهای بیشتری برقرار کرده؛ در جهت اهداف «کل جامعه» گام برخواهند داشت (منتظر قائم و تاتار، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۶). شایان ذکر است که در زمینه تأثیر اینترنت و ارتباطات مجازی بر سرمایه اجتماعی دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که بعضی از آنها دقیقاً در مقابل آنچه در بالا اشاره کردیم، قرار می‌گیرند (در این زمینه نک: Wellment, 2001: 436-455).

۳- احساس برابری، تأثیر گذاری و رضایت ذهنی: در اینترنت احساس خوب و مثبتی از توانمندی سیاسی برای کنشگران فراهم می‌شود؛ زیرا شهروندان احساس می‌کنند آزادانه‌تر می‌توانند وارد عرصه سیاسی شوند. اینترنت به مفهوم و حس مشارکت و تأثیر گذاری

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۲۳

بازیگران دست‌کم به دو دلیل قوت می‌بخشد: اول اینکه مردم احساس می‌کنند بیش از شیوه‌های ارتباط سنتی وارد بازی می‌شوند و دوم اینکه اینترنت به سازمان، تشکل یا گروهی که آن را به کار گرفته است، احساس یک عامل کارآمد و قدرتمند را می‌بخشد که قادر است در محیط زندگی‌اش تأثیرگذار باشد (مهدی زاده، ۱۳۸۸: ۴). استفاده از اینترنت با افزایش احساس امنیت، آزادی شخصی و تأثیرگذاری، مردم را قدرتمند می‌کند و این‌ها همان احساساتی هستند که تأثیری مثبت بر بهزیستی شخصی دارند. این تأثیر به‌ویژه برای افراد با درآمد پایین‌تر و اقلیت‌های به‌دور مانده از دایره‌های قدرت و زنان مثبت است.

به‌نظر می‌رسد قدرتمندی، خودمختاری و معاشرت‌پذیری فزونی یافته، ارتباط

تنگاتنگی با عملکرد شبکه‌بندی مداوم در اینترنت دارد (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

اهمیت این احساسات ذهنی در مورد اقوام وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم معمولاً در اغلب جوامع، اقلیت‌های قومی یا مذهبی همواره به صورت ناخودآگاه یک نوع احساس ذهنی نادیده گرفته شدن، محروم واقع شدن، مورد تبعیض واقع شدن و ناتوانی از تأثیرگذاری بر روندهای مسلط را با خود به همراه دارند. اینترنت با ویژگی‌هایی که پیش از این اشاره کردیم، توانایی آن را دارد که به‌مثابه ساختاری منعطف و نسبتاً آزاد، بازنمایی‌های به‌حاشیه رانده شده گروه‌های قومی را به مرکز آورد. در چنین وضعیتی، کنش‌ها و تعاملات اینترنتی گروه‌های قومی، احساس صدا داشتن، شنیده شدن و تأثیرگذار بودن را جایگزین کرده، موجب نوعی رضایت ذهنی فردی و جمعی می‌گردد که این احساس نیز به نوبه خود با تضعیف تمایلات رادیکال و اگراییانه ناشی از احساس نارضایتی و تبعیض، مدیریت سیاسی در جوامع چندقومی و چند فرهنگی را آسان کرده، ثبات سیاسی و آرامش اجتماعی را برای جامعه ملی به ارمغان می‌آورد.

۴- امکان بقای میراث‌های غنی فرهنگی و هویتی بومی و ملی در عین فرسایش تعصبات قومی - قبیله‌ای: به گفته کاستلز، جهان آینده صحنه کارزار دو قدرت معتبر است: جهانی‌شدن و هویت. از نظر وی:

هویت مقاومت^۱ به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شوند و یا داغ ننگ بر آنها زده می‌شود. از همین روی، سنگ‌راهی برای مقاومت و بقا بر اساس اصول متفاوت و یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴).

کاستلز در «عصر اطلاعات»، ظهور هویت مقاومت و عوامل و انگیزه‌های آن را به تفصیل توضیح می‌دهد. از نظر وی:

وقتی جهان بزرگ‌تر از آن می‌شود که بتوان آن را کنترل کرد، کنشگران اجتماعی در صدد برمی‌آیند تا دوباره جهان را به حد و اندازه قابل دسترسی خود تکه‌تکه کنند. وقتی شبکه‌ها زمان و مکان را محو می‌کنند، مردم خود را به جاهایی متصل می‌کنند و حافظه تاریخی خود را به یاری می‌خوانند. از آنجایی که فرایندهای سلطه جدیدی که مردم در برابرشان واکنش نشان می‌دهند، در جریان اطلاعات تجسم می‌یابد، بناسازی خودمختاری به‌ناچار با اتکا بر جریان‌های معکوس اطلاعات صورت می‌پذیرد. خدا، ملت، خانواده و اجتماع، قوانینی به دست می‌دهند که خدشه‌ناپذیر است و براساس آن می‌توان علیه فرهنگ مجاز واقعی اقدام به ضدحمله کرد (همان).

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۲۵

این که شکل‌گیری هویت مقاومت برای دولت ملی یک چالش است یا یک فرصت، به سطح تعریف این هویت (به صورت هویت ملی و یا قومی) بستگی دارد. اگر گروه‌های قومی موجود در یک جامعه بر اثر تعامل نزدیک‌تر با گروه‌های فرامرزی و در واکنش به امواج جهانی شدن و شبیه‌سازی جهانی متجلی در اینترنت، بر هویت یکپارچه ملی خود تأکید نموده، خود را متعهد به یک کلیت یکپارچه به نام ملت و کشور بدانند، موهبتی برای تقویت وحدت و انسجام ملی آن جامعه و بقای میراث بومی آن خواهد بود. در عین حال فضای مجازی با قابلیت بی‌مکانی خود این امکان را نیز به اقوام می‌دهد که از آن در راستای سازماندهی دیاسپورای^۱ خود در یک اجتماع مجازی بهره برده و با غلبه بر فاصله‌های فیزیکی یک هویت مقاومت قومی برای خود تعریف نمایند. در این صورت، میزان تهدید این هویت‌های جدید برای هویت ملی به میزان واگرایی آنها بستگی خواهد داشت. البته، هویت مقاومتی که در سطح قومیت تعریف شود و دیگری خود را منطق سلطه ملی تعریف کند، قطعا عنصری واگرایانه خواهد بود؛ اما اگر بخواهیم ریشه‌ای‌تر نگاه کنیم، باید بگوییم که آنچه تهدید است، وجود این منطق سلطه و بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های بنیادین ناشی از آن است. اگر هویت مقاومت قوم-محور یک تهدید است، این تهدید در فرایند سلطه ناعادلانه ریشه دارد. بنابراین، آنچه تهدید واقعی انسجام ملی است، سلطه، تبعیض، بی‌عدالتی، انکار فرهنگی، تحمیل همسانی فرهنگی-نگرشی، انحصار و عدم شمولیت است و نه واکنش طبیعی به آن در قالب هویت‌های مقاومت. ویژگی اساسی یک مدیریت ملی عقلانی و دموکراتیک آن است که به جای مقابله با تهدیدات در سطح پدیده‌های تهدیدزا، می‌کوشد در سطح ساختارها و فرایندهای موجد این پدیده‌های تهدیدزا با آنها مقابله کند.

کنش‌ها و تعاملات مجازی اقوام، علاوه بر ایجاد امکان بقای فرهنگ و هویت بومی، از طریق برخی مکانیسم‌ها و امکانات فراهم آمده در این نوع تعاملات، به فرسایش تعصبات تفرقه‌آمیز قومی - قبیله‌ای نیز منجر می‌شود. از جمله این امکانات فضای مجازی امکان عضویت‌های متداخل^۱ در اجتماعات مجازی است. مفهوم عضویت متداخل بر عضویت فرد در گروه‌ها و اجتماعات متکثر و متفاوت در زمان واحد اشاره دارد؛ برای مثال، یک کاربر متعلق به قومیت آذری و مذهب تشیع در فضای مجازی امکان عضویت و حضور در گروه‌ها و اجتماعات آنلاین قومیت کرد و مذهب تسنن را خواهد داشت و ممکن است همین شخص در عین حال عضو کلپ دانشجویان دانشگاه اصفهان بوده و در شبکه‌های اجتماعی چندین دوست اینترنتی فارس یا ترکمن یا بلوچ داشته باشد. این‌گونه ارتباطات بین‌گروهی مجازی این قابلیت را دارد که با ایجاد تعامل بین اقوام، مذاهب، زبان‌ها و ساکنان مناطق مختلف جغرافیایی، یک فضای تساهل و تعامل سازنده به وجود آورده، قدرت هم‌پذیری و تحمل افراد و گروه‌ها را افزایش دهد.

کنارهم قرارگرفتن فرهنگ‌های خاص، ذات‌باوری و مطلق‌گرایی فرهنگی را به شدت متزلزل می‌سازد. اعتقاد به این امر که هیچ‌گونه معیار فرافرهنگی برای ارزیابی فرهنگ‌ها وجود ندارد، زمینه را برای نسبی‌شدن فرهنگ‌ها فراهم می‌سازد و تصور سنتی از فرهنگ و قومیت چونان امر مطلق و فراتاریخی بی اعتبار می‌شود. به این دلیل است که گی‌روشه معتقد است در جامعه‌شناسی معاصر عموماً نسبی‌گرایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (روشه، ۱۳۸۰: ۳۹). ابزارهای جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی با آگاهی و شناخت از فرهنگ‌های دیگر، زمینه همکاری و نزدیکی فرهنگی را فراهم می‌کنند. این ابزارهای جدید با تبادل معانی و مفاهیم بسیاری از کج‌فهمی‌ها و تابوها را می‌شکنند و با تقویت فرهنگ

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۲۷

تساهل و انعطاف‌پذیری نسبت به دیگر گروه‌های فرهنگی موجود در یک کشور، نوعی دگرپذیری منجر به همبستگی را در جوامع ملی گسترش خواهند داد.

ب) چالش‌ها و تهدیدها

۱- شکاف دیجیتالی و مسأله دسترسی: هرچند اینترنت به گونه‌ای منحصر به فرد، امکان بالقوه دسترسی به اطلاعات، عضویت در اجتماعات مجازی و تعامل در فضاهای جدید را فراهم ساخته است؛ اما این امر به معنای دسترسی واقعی و عملی همگانی به آن نیست. عوامل متعددی، همچون: محل سکونت، طبقه اجتماعی- اقتصادی، میزان تحصیلات و بسیاری عوامل دیگر در ایجاد میزان دسترسی افراد و گروه‌ها به اینترنت مؤثرند. در سطح ملی، شکاف بین شهر و روستا، فقیر و غنی، و باسواد و بی‌سواد، در میزان دسترسی به اینترنت به وضوح مؤثرند. این عوامل به بروز یک شکاف یا نابرابری منجر می‌گردند که ریشه آن را باید در نابرابری‌های مختلف موجود در جهان ما جستجو کرد. در مطالعات مربوط به اینترنت از این پدیده با عنوان «اختلاف طبقاتی دیجیتالی» یا «شکاف دیجیتالی»^۱ یاد می‌شود.

شکاف دیجیتال اصطلاحی است در اشاره به فاصله بین مردمانی که به فناوری دیجیتال و فناوری اطلاعات دسترسی مؤثری دارند، با مردمانی که دسترسی بسیار محدودی به این فناوری‌ها داشته یا اصلاً دسترسی ندارند. این عبارت شامل عدم تعادل در دسترسی فیزیکی به فناوری نیز می‌شود؛ مانند عدم تعادل در داشتن منابع و مهارت برای دسترسی مؤثر و مفید به فناوری و محسوب شدن به عنوان شهروند دیجیتال. به عبارت دیگر، شکاف دیجیتال؛ یعنی دسترسی نابرابر برخی از اعضای جامعه به فناوری اطلاعات و ارتباطات.

شکاف دیجیتال با مفهوم شکاف دانش ارتباطی نزدیک دارد و می‌تواند بر پایه جنسیت، درآمد و نژاد باشد. علاوه بر وجود شکاف در یک جامعه، وجود شکاف دیجیتال بین کشورهای جهان را شکاف دیجیتال جهانی می‌گویند (Wikipedia, The Free Encyclopedia: Digital Divide)؛ برای مثال، در حالی که قیمت یک رایانه به اندازه هشت سال دستمزد یک بنگلادشی است، یک امریکایی معمولی می‌تواند با یک ماه حقوق خود آن را خریداری کند. میزان دسترسی به شبکه جهانی اینترنت در بین کشورهای جهان از این نیز نابرابرتر است. خلاصه اینکه کسانی که از شبکه‌های ارتباطات جهانی استفاده می‌کنند، در اقلیت هستند (شولت، ۲۰۰۰: ۳۴۶). در نتیجه این دو سطح شکاف دیجیتالی، در جهان امروز وضعیتی پیش آمده که تنها اقلیتی از مردم که عمدتاً از نظر اجتماعی وضعیت ممتازتری دارند، از دستگاه‌های نمابر و ارتباطات اینترنتی استفاده می‌کنند.

با توجه به جدی و واقعی بودن شکاف دیجیتالی؛ به‌ویژه در جوامع جهان سومی، بهره‌مندی از کلیه فرصت‌های یاد شده در گرو برطرف کردن و یا کاهش این شکاف است. در غیر این صورت، مثلاً تقاضاها یا حمایت‌های طرح شده از جانب گروه‌های قومی، از آنجا که نمی‌توان افراد حاضر و فعال در دنیای مجازی را نماینده تمامی اعضای یک گروه قومی در نظر گرفت، تنها بیانگر تمایلات بخشی از این گروه‌ها خواهد بود. بنابراین، چنانچه هنگام استخراج و تحلیل این تقاضاها و حمایت‌ها به مسأله شکاف دیجیتالی توجه نشود، به احتمال زیاد بر اثر پدیده شکاف دیجیتال درون‌گروهی، صدای بخشی از جامعه یا گروه‌ها به‌عنوان صدای تمامی آنها تلقی شده و بنابراین، برون‌دادهای نظام سیاسی پاسخگوی انتظارات و تقاضاهای واقعی این گروه‌ها یا جوامع نخواهد بود. همچنین، ممکن است در یک جامعه مسأله شکاف دیجیتال بین گروهی رخ نماید؛ به این معنا که میزان دسترسی یک گروه قومی فاصله قابل توجهی با گروه دیگر داشته باشد. در این صورت نیز اینترنت نه تنها نمی‌تواند فرصت‌هایی چون احساس برابری و رضایت ذهنی اقوام و

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۲۹

فرسایش تعصبات سطح فروملی را فراهم نماید؛ بلکه می‌تواند به افزایش نابرابری‌ها و تعصبات ناشی از تسلط تک صدایی نیز دامن بزند.

گذشته از بحث شکاف دیجیتال بین گروه‌های قومی یک جامعه یا در درون آن‌ها، بروز شکاف دیجیتالی بین کشورها نیز تاثیرات زیادی در تجارت الکترونیک، اقتصاد و آموزش آنها خواهد داشت. حاصل این امر، عقب‌افتادگی کشورهای در حال توسعه در علوم و فناوری و افزایش بیش از پیش فاصله آنان از جوامع توسعه یافته و مرکز خواهد بود. عمیق‌تر شدن این شکاف به معنای افزایش فاصله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین کشورهاست که نتیجه آن، تحمیل کالاها و تولیدات فرهنگی صاحبان تکنولوژی جدید برای سست کردن باورها، سنت‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های کشورهای در حال توسعه و ترویج گرایش‌های قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه در این کشورهاست. سست شدن باورها و ارزش‌های این جوامع نیز به نوبه خود نوعی استثمار فرهنگی، بحران بی‌هویتی نسل جوان و یأس، خودکم‌بینی و افسردگی در سطح این جوامع را به دنبال خواهد داشت (برای آشنایی بیشتر با بحث شکاف دیجیتال و ابعاد آن ر.ک: مریم نورائی، نژاد، ۱۳۸۶).

۲- پدیده شیطان‌سازی بین فرهنگی! تکنولوژی‌های نوین ارتباطی گاهی به‌عنوان ابزاری برای شیطان‌سازی بین فرهنگی استفاده می‌شوند. شیطان‌سازی بین فرهنگی یکی از موانع عمده بر سر راه گفتگو و همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌هاست. مفهوم «شیطان‌سازی» به روش‌های بسیاری به کار گرفته شده است؛ اما صرف‌نظر از جایگاه‌های مختلف کاربرد این مفهوم می‌توان گفت که شیطان‌سازی بین فرهنگی زمانی انجام می‌شود که اعضای یک فرهنگ، اعضای فرهنگ دیگر را به یک روش دسته‌جمعی شیطان‌سازی کنند. بنابراین،

هرچند شیطان‌سازی می‌تواند یک شکل فردی داشته باشد؛ اما زمانی که افراد به‌عنوان اعضای فرهنگ دسته‌جمعی خود درک شوند، آن‌گاه این تضاد دیگر یک تضاد فردی نخواهد بود. شیطان‌سازی بین‌فرهنگی در یک گفتمان به این دلیل خطرناک است که یک ویژگی خطرناک و یک‌دست را به کل اعضای یک فرهنگ تعمیم می‌دهد و هر امکانی برای قضاوت منصفانه را از بین می‌برد (شاقاسمی، ۱۳۸۸: ۱). برخی مطالعات انجام شده نشان از وجود پدیده شیطان‌سازی بین‌فرهنگی در برخی از فعالیت‌های مجازی اقوام ایرانی؛ به‌ویژه در حوزه وبلاگ‌ها دارد. در برخی از وبلاگ‌های متعلق به اقوام گوناگون ایران، تخریب و چهره‌نمایی منفی از اقوام دیگر صورت می‌گیرد که قطعاً دارای آثار مثبتی بر همبستگی و وفاق ملی در کشور نخواهد بود. با وجود این، شایان ذکر است که پدیده شیطان‌سازی بین‌فرهنگی معضلی جدی؛ اما نادر بوده و اقوام ایرانی در مجموع از قدرت هم‌پذیری و همبستگی بالایی برخوردار بوده و هستند. به نظر می‌رسد که وجود مبانی مشترک درخور توجه در بین اقوام ایرانی که از جمله آن‌ها می‌توان به تاریخ دیرین مشترک اشاره کرد، تأثیر قابل توجهی در تعامل وفاق‌آمیز اقوام ایرانی حتی در فضای مجازی داشته است. به‌هرحال، پدیده شیطان‌سازی بین‌فرهنگی یکی از چالش‌های بالقوه و در مواردی بالفعل کنش‌ها و تعاملات مجازی اقوام است که شناخت آن برای مدیریت سیاسی جوامع چندفرهنگی در عصر اطلاعات ضروری می‌نماید.

۳- شکاف در هویت ملی، تضعیف حاکمیت ملی و شکنندگی الگوی ملت- دولت: تأثیری که اینترنت برای حاکمیت سیاسی دولت‌ها، کنترل دولت‌ها بر فضا و قلمرو کشور و توانایی دولت‌ها برای وضع و اجرای قوانین مستقل برای اداره جامعه دارد، عمدتاً از طریق فراهم

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۳۱

ساختن زمینه رشد جوامع مجازی است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۲). رینگولد^۱ جوامع مجازی را چنین تعریف می‌کند:

جوامع مجازی عبارتند از گردهم‌آیی‌های اجتماعی^۲ که روی نت ظاهر می‌شوند. این جوامع مجازی حاصل تشکیل شبکه‌هایی از روابط شخصی و اجتماعی در فضای سایبر^۳ توسط افراد هستند.

به عبارت دیگر، جوامع مجازی گردآمدگی‌های اجتماعی الکترونیکی هستند که هر کجا افراد به شبکه‌های الکترونیکی دسترسی داشته باشند، برای اهداف متعدد کوتاه‌مدت یا بلندمدت در هر حوزه‌ای اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روی شبکه‌ها ایجاد می‌کنند (صدوقی، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۶۰).

جوامع قومی مجازی^۴ نیز به جوامعی اطلاق می‌گردد که به وسیله تکنولوژی‌های ارتباطی و با توجه به اشتراک در ایستارها، تصورات، علایق و ارزش‌های قومی به هم مرتبط می‌گردند. از جمله آثار اجتماعات قومی مجازی و اجتماعات مجازی به‌طور کلی پدیده‌ای است که می‌توان از آن با عنوان «برهم ریختن شالوده ملی هویت‌ها» یاد کرد. در واقع، این اجتماعات این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کنند که با مراجعی غیر از دولت‌های ملی هویت‌یابی کنند. بنابراین، شهروندی (یعنی تابعیت دولتی خاص) دیگر تعیین‌کننده اینکه «ما» از نظر سیاسی چگونه تعریف می‌شود، نیست. در عصر جهانی شدن، تقویت هویت‌خواهی قومی نه با اتکا به سرزمین؛ بلکه به صورت فضایی بروز می‌کند. در چنین شرایطی همه افرادی که خود را متعلق به یک قوم می‌دانند، در هر جای دنیا که

1. Rheingold

2. Community Aggregations

3. Cyber Space

4. Ethnic Virtual Communities

باشند، از طریق شبکه‌های الکترونیکی به هم متصل شده و گروه‌های قومی جهانی را تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها به صورت سازمان‌های غیردولتی^۱ ظهور یافته و با انتخاب رهبری یا رهبران دولت-قومیت‌های^۲ جدیدی را بدون اصرار بر هویت سرزمینی به وجود می‌آورند (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). تشکیل این جوامع به جابه‌جایی بسترهای منازعه از قلمرو جغرافیایی به فضای مجازی منجر شده، با تشدید ناسیونالیسم قومی و تأکید بر هویت قومی در مقابل هویت ملی و شهروندی جهانی، موجب چندپارگی سیاسی-فرهنگی در کشور می‌شوند. تشدید بومی‌گرایی و هویت‌خواهی قومی افراطی موجب شکنندگی الگوی ملت-دولت و شکاف در هویت ملی می‌شود.

علاوه بر مسأله چالش هویتی، جوامع مجازی ممکن است حاکمیت و کنترل دولت بر فضا و قلمرو کشور را نیز به چالش بطلبند. نداشتن تجلی فیزیکی و تمایل بسیاری از این جوامع به فعالیت‌های سیاسی و امکان ورود آنها به درون قلمرو حاکمیت هر کشوری به دور از چشمان مراقب دولت‌ها، باعث شده کنترل و مراقبت دولت بر فضا و مرزهای کشور تحلیل برود. البته، همه جوامع مجازی به فعالیت‌های ضددولتی و تخریبی مشغول نیستند؛ اما آنها این قابلیت را دارند که به دور از نظارت، اجازه و کنترل دولت‌ها فعالیت کنند. این یکی از پیامدهای گریزناپذیر شبکه است و هر جا شبکه هست، این‌ها نیز هستند. از آنجا که این جوامع ضرورتاً شکل و ساختار فیزیکی در جهان واقعی ندارند، احتیاج به تجلیات نهادی قدرت سیاسی مانند شناسایی رسمی و اجازه دولت نیز ندارند. تأسیس چنین جوامعی ارزان و آسان است و این باعث می‌شود که بتوان برای هر هدفی آنها را ساخت و بعد از مدتی از بین برد یا بازسازی کرد (صدوقی، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۷۵). به این

1. NGO

2. Ethno-states

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۳۳

ترتیب، این جوامع امکان هرگونه اقدام ضدامنیتی و ضدحاکمیتی را یافته، چالشی عمیق را برای حکومت ملی ایجاد می‌کنند.

بر اثر ارتباطات مجازی گروه‌های فروملی این امکان را می‌یابند که پیوندهای فراملی و حتی بین‌المللی با گروه‌های دیگر برقرار و از مداخله و وساطت دولت جلوگیری کنند. در واقع، در نتیجه فناوری نوین اقوام این امکان را یافته‌اند که روابط فراملی را در کنار روابط بین‌المللی تقویت کنند. بین‌المللی جایی است که دولت-ملت‌ها با یکدیگر تعامل می‌کنند؛ در حالی که فراملی جایی است که گروه‌های دیگر تعامل می‌کنند، خواه دولت‌ها دوست داشته باشند یا نسبت به این تعاملات بی‌میل باشند. فراملی جایی است که مشکلات و مسائلی وجود دارد که گروه‌ها در درون دولت‌های مختلف در آن شریک و سهیم هستند؛ جایی که فرایندها یا ساختارها به‌طور افقی دولت‌ها را دور می‌زنند (گیببیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۵۶-۱۶۱). همچنین، بسیاری معتقدند فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌عنوان ابزار غربی‌سازی جهانی هستند که با هدف یکسان‌سازی و غربی‌سازی در نهایت تضعیف دولت-ملت‌ها و شکل‌گیری نوعی منازعه بین خاص‌گرایی (فرهنگ و ارزش‌های ملی و بومی) و عام‌گرایی (فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی و غربی) را به همراه خواهند داشت (برای مثال، ن.ک: لاتوش، ۱۳۷۹).

البته، در بحث آسیب‌شناسی ارتباطات شبکه‌ای و تهدیدها و فرصت‌هایی که این نوع ارتباطات می‌تواند برای امنیت ملی کشور ایجاد کند، نکات بسیار زیادی قابل ذکر است که در اینجا به دلیل این که بحث ما بر بررسی تهدیدهای کنش‌ها و تعاملات قومی مجازی متمرکز است و نه ارتباطات شبکه‌ای؛ به طور کلی، فرصت ذکر آن نیست. پدیده قوم‌گرایی آنلاین هرچند ممکن است تهدیداتی از قبیل آنچه برشمردیم به همراه آورد؛ اما معمولاً چهره‌ای بسیار مدنی و مسالمت‌آمیز به خود گرفته، تنها در شکل‌های افراطی آن می

تواند به قوم‌گرایی افراطی و چندپارگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منجر شود که این آسیب‌ها نیز در صورت مدیریت صحیح در طولانی مدت قابل تقلیل است.

سخن پایانی

اینترنت به مثابه رسانه‌ای با ویژگی‌های منحصر به فرد، پس از ورود به هر جامعه این پتانسیل را داراست که شرایط زیست فردی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در معرض دگرگونی بزرگی قرار دهد. ویژگی‌هایی، چون: نظارت‌پذیری اندک، تعاملی و دوسویه بودن، رهایی از قید مکان و زمان، توانایی استفاده از هویت‌های غیرواقعی و گمنامی هویتی، ارزیابی نسبی دسترسی و برخی ویژگی‌های دیگر، اینترنت را به رسانه‌ای بی‌بدیل و همگانی تبدیل کرده که افراد و گروه‌های مختلف؛ به‌ویژه گروه‌های قومی آن را فضای مساعدی برای بسیاری از کنش‌ها و تعاملات خود خواهند یافت. اقوام از فرصت‌های فراهم آمده در فضاهای مجازی به‌منظور ایجاد هویت‌های مقاومت در مقابل امواج شبیه‌ساز و همگون‌کننده جهانی شدن فرهنگی از یک سو و طرح چالش‌ها، مشکلات و تقاضاهای سیاسی - فرهنگی خود از سوی دیگر بهره‌مند می‌شوند.

کنش‌ها و تعاملات مجازی اقوام در اشکال گوناگون، پدیده‌ای دوجوهی و بعضاً چندوجهی^۱ و یک چالش - فرصت پیچیده بوده که تفکیک بین ابعاد مثبت و منفی آن در عین دشواری، مقدمه شناخت همه‌جانبه و مدیریت صحیح آن است. امکان طرح تقاضاها و چالش‌های گروه‌های قومی در فضای برابر و به‌دور از محدودیت مجازی که همچون یک حوزه عمومی و یک جامعه مدنی کارآمد عمل می‌کند، فرصت بی‌نظیری را در اختیار نهادهای تصمیم‌گیرنده کشور می‌گذارد تا با شناخت آسیب‌ها و نقاط ضعف عملکرد خود

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/ ۳۵

از یک سو و انتظارات و تقاضاهای اقوام از سوی دیگر، در راستای پاسخگویی مناسب به تقاضاها، جلب رضایت و کسب حمایت‌های این بخش از شهروندان خود گام برداشته، وحدت و انسجام ملی کشور را تضمین کنند. افزایش پیوندها و اعتماد درون‌گروهی و بین‌گروهی و در نتیجه، افزایش سرمایه اجتماعی کل جامعه، احساس صدا داشتن، شنیده شدن و توانمندی و در نتیجه احساس رضایت ذهنی، فرسایش تعصبات و دیدگاه‌های افراطی جزم‌گونه در عین بقای میراث ارزشمند و پسندیده قومی و ملی که می‌توان از آن به تکثرگرایی مدنی^۱ یاد کرد و خود شرط اساسی همزیستی مسالمت‌آمیز و توأم با احترام متقابل اقوام است، از دیگر فرصت‌های ایجاد شده در نتیجه کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی اینترنت است. در مقابل مسأله شکاف دیجیتالی و پیامدهای آن، شیطان‌سازی بین‌فرهنگی اقوام و گروه‌ها از یکدیگر، تضعیف حاکمیت دولت بر فضا و قلمرو کشور در نتیجه پدیده اجتماعات مجازی، چندپارگی سیاسی- فرهنگی و شکاف در هویت ملی، از مهم‌ترین چالش‌های مطرح شده در نتیجه قوم‌گرایی اینترنتی و فعالیت شبکه‌ای به‌طور کلی است. البته، بسیاری از این چالش‌ها، از جمله مسائلی که ارتباطات شبکه‌ای برای امنیت ملی کشور ایجاد می‌کنند، ناشی از فعالیت گروه‌های خاص است و بنابراین، در بررسی چالش‌های مطرح شده به‌وسیله اینترنت و نحوه برخورد با آنها باید بین فعالیت این گروه‌ها و گروه‌های قومی که معمولاً به شکل مسالمت‌آمیزتر و مدنی‌تری به کار خود ادامه می‌دهند، تفکیک قائل شد.

در مجموع، اینترنت با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش، و کنش‌ها و تعاملات قومی اینترنتی با تمام پیامدهای مثبت و منفی که می‌تواند در پی داشته باشد، اکنون به یک واقعیت اجتماعی در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه ایران امروز ما تبدیل شده است. تأکید بر

اشتراکات تاریخی، سرزمینی و فرهنگی؛ استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دین و دین‌باوری به‌مثابه نقطه وحدت تمام اقوام ایرانی، تلاش برای رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها در ابعاد مختلف آن؛ و به طور کلی، تقویت عوامل وحدت‌آفرین و همگراکننده در مقابل تضعیف عوامل تفرقه‌انگیز و واگراکننده، پرهیز از امنیتی‌سازی و در عوض، تقویت مکانیسم‌های مدیریت سیاسی دموکراتیک، خطوط کلی مدیریت مناسب جامعه چندفرهنگی‌ای چون ایران است که آثار مثبت آن در تعاملات مجازی نیز مؤثر خواهد بود. تنها باید به یاد داشت که بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها و تقلیل چالش‌ها، نیازمند مدیریتی هوشمندانه و روزآمد است که با منطق نرم‌افزاری رسانه‌ای چون اینترنت سازگاری داشته باشد. با جملائی گویا و مفید از دوبه بحث را به پایان می‌بریم؛ آنجا که در کتاب سنت و توسعه می‌نویسد:

ارتباطات، همچون شمشیری دودم است؛ هم می‌تواند به ملت‌سازی کمک کند و هم می‌تواند به پیکره ملی صدمه بزند و در صورتی که از آن در مقابله با کهنه‌پرستی و تیره‌اندیشی استفاده شود، از خود کارایی فراوان نشان خواهد داد. گرچه می‌تواند اتحاد و انسجام ایجاد کند؛ ولی قادر به وسعت بخشیدن و عمیق کردن شکاف‌های اجتماعی هم هست؛ هم می‌تواند بشارت‌دهنده توسعه باشد، هم بذر ایدئولوژی ضدتوسعه را بپراکند (Dube, 1994: 201-212).

پی‌نوشت‌ها

۱- این عبارت، نخستین جمله ایمانوئل کانت در مقاله بسیار معروف اوست با نام «روشنگری چیست؟»؛ آنجا که او در تعریف روشنگری می‌گوید: «روشنگری، خروج انسان از نابالغی خودخواسته خویش است...» (Kant, 1784).

۲- هویت‌یابی یا همانندسازی (Identification) مفهومی فرویدی است؛ به معنای فرایندی روان‌شناختی که طی آن فرد ویژگی خاصی را در یک فرد یا گروه ادراک می‌کند و می‌کوشد خود را با آن همانند کند. همانندسازی همچنین برای اشاره به تمایل به افزایش دادن احساس ارزشمند بودن، از طریق متصل کردن خود به یک شخص، گروه، یا سازمانی که مهم به حساب می‌آید، به‌کار می‌رود. در روان‌شناسی فرویدی، این مکانیسم نقشی اساسی در تشکیل گروه ایفا می‌کند. تشکیل گروه براساس یک ویژگی مشترک بین اعضا (مثلاً در مورد بحث ما، مقوله قومیت) یکی از مکانیسم‌های متنوع همانندسازی یا هویت‌یابی است که توسط رسانه‌های نوین تسهیل شده است.

۳- البته، دریافت و بازنمایی فرد از خود برخط (آنلاین)ش پیامدهایی بر چگونگی دریافت و بازنمایی او از خود آفلاینش دارد تا آنجا که استدلال می‌شود هرچه استفاده از رسانه‌های اجتماعی برخط گسترش یابد، تفکیک بین این دو نوع خود یا هویت مبهم‌تر می‌شود (برای بحثی مفصل‌تر در این باره نک: Hongladarom, 2011).

۴- برای آشنایی با یک دیدگاه مخالف در این زمینه، که استدلال می‌کند اینترنت نه تنها باعث فرسایش تعصبات نمی‌شود؛ بلکه آنها را تشدید کرده، به «قطبی‌شدگی سیاسی» می‌انجامد، نک: Farrel, 2012.

۵- نمونه بارز چنین سیاستی را می‌توان در طول دوده‌گذشته در جنوب سودان ملاحظه نمود که سرانجام تحت این فشارها، دولت سودان در ژانویه ۲۰۱۱ مجبور به پذیرش تجزیه ناحیه جنوبی این کشور شد.

۶- برای مطالعه بیشتر درباره پدیده شیطان‌سازی بین‌فرهنگی و نمونه‌هایی از آن در وبلاگ‌های فارسی نک: شافاسمی، ۱۳۸۸ و Shaghasemi & Tafazzoli, 2009.



منابع

- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰). *نام‌های جهانی، بررسی چهره دوم جهانی شدن*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روشه، گی. (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
- سردارنیا، خلیل. (۱۳۸۸). تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، ش ۱ (پیاپی ۵۷): صص ۱۹۳-۲۱۱.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۳: صص ۱۰۱-۱۱۲.
- شاقاسمی، احسان. (۱۳۸۸). یک تیپولوژی از وبلاگ‌های پان ترکیستی فارسی، در: <http://www.esmatlyintercultural.blogfa.com/post-53.aspx>
- شولت، یان آرت. (۱۳۸۶). *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- صدوقی، مرادعلی. (۱۳۸۴). *تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صوفی، محمدرشید. (۱۳۸۵). *هویت‌های جدید واقعی و مجازی: مطالعه کاربران اینترنتی دانشجو با جنسیت و قومیت متفاوت*. *مجله جهانی رسانه*، ش ۲، در: <http://gmi.ut.ac.ir/maghale.aspx?id=37>
- عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی. (۱۳۸۹). *تأثیر اینترنت بر هویت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عیاری، آذرنوش. (۱۳۸۴). *هویت قومی در اینترنت (بررسی عملکرد اینترنتی گروه‌های قومی آذری، بلوچ، ترکمن، عرب خوزستانی و کرد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

فکوهی، ناصر و عیاری، آذرنوش. (۱۳۸۸). اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی.

مجله جهانی رسانه، ش ۷، در: <http://gmi.ut.ac.ir/maghale.aspx?id=61>

کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان و

حسن چاوشیان، جلد دوم، چاپ ششم (چاپ اول: ۱۳۸۰)، تهران: طرح‌نو.

کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳). شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت،

ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.

گیبینز، جان. آر و ریمر، بو. (۱۳۸۱). سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران:

گام نو.

لاتوش، سرژ. (۱۳۷۹). غربی‌سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، تهران: قصیده.

مستقیم، بهرام و واسعی‌زاده، نسیم سادات. (۱۳۸۹). فناوری اطلاعات و سرمایه اجتماعی

در عرصه بین‌المللی. فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۱: صص ۲۷۹-۲۹۳.

معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۴). هویت و مجاز: تأثیر هویتی اینترنت. فصلنامه مطالعات

ملی، دوره ۲۴(۴): صص ۱۰۷-۱۲۴.

منتظر قائم، مهدی و تاتار، عبدالعزیز. (۱۳۸۴) پاییز و زمستان). اینترنت، سرمایه اجتماعی و

گروه‌های خاموش. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱(۴):

صص ۲۲۳-۲۴۵.

منتظر قائم، مهدی. (۱۳۸۱). دموکراسی دیجیتالی و حکومت الکترونیکی: سیاست و حکومت

در عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs). نامه علوم اجتماعی، ش ۱۹:

صص ۲۲۷-۲۵۹.

مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۲۰۰۹). اینترنت و ارتباطات سیاسی، در دسترس در:

<http://www.hamshahrtraining.ir/news-2870.aspx>

کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها/۴۱

نش، کیت. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

نورائی نژاد، مریم. (۱۳۸۶). شکاف دیجیتالی. مجله جهانی رسانه، ش ۲، در:

[/http://gmi.ut.ac.ir](http://gmi.ut.ac.ir)

یعقوبی پور، مهدیه. (۱۳۸۸). تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و چهارم، ش ۳ و ۴: صص ۱۱۰-۱۲۱.

Bourdieu, P. (1986). "The Forms of Capital". In J. Richardson (Ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (New York, Greenwood), pp.241-258.

Castells, M.(2008). "The new public sphere: global civil society, communication networks, and global governance", *The Annals Of the American Academy of Political Science*, no. 616:pp.78-93.

Dube, S.C.(1994). *Tradition & Development*, New Delhi, Vikas Publishing Hous.

Everard, J.(2000).*The Internet and The Boundaries of the Nation-State*. London, Routledge.

Farrell, H .(2012). *The Consequences of the Internet for Politics*, *Annual Review of Political Science*, 15:pp.35-52.

Hanifan, L.j.(1961). "The Rural School Community Center", *Annals of the American Academy of Political And Social Science*, 67: pp130-138.

Hongladarom, S.(November 2011). "Personal Identity and the Self in the Online and Offline World", *Minds and Machines*, Volume 21, Issue 4, pp. 533-548.

<https://www.marxists.org/reference/subject/philosophy/works/fr/bourdieu-forms-capital.htm>

Kant, I.(1784). *What is Enlightenment?*, Available at: <https://www.marxists.org/reference/subject/ethics/kant/enlightenment.htm>

Karakaya P.(2005). "The Internet and Political Participation:exploring the explanatory links", *European Journal Of Communication*, vol 20(4): pp. 435- 459.

Kiouss, Spiro .(2002). "Interactivity: A Cocept Explication", *Journal of New Medi and Society*, 4(3):PP.355-383.

- Poster, M. (1998). "Virtual Ethnicity: Tribal identity in an age of global communications", in: *Cybersociety 2.0: Revisiting Computer-Mediated Community and Technology*, Edited by Steve Jones, Sage publications.
- Selvin, J. (2000). *The Internet And Society*, Cambridge: Polity Press.
- Shaghasemi, E. & Tafazzoli, B. (2009). "Intercultural Demonization on the Web: A Qualitative Approach to the Iranian Blogosphere". Paper presented at "Societies Under Siege: Media, Government, Politics and Citizens' Freedoms in an Age of Terrorism" Conference, April 2009 Istanbul, Turkey.
- Stoolle, D & Hooghe, M & Micheletti, M. (2005). "Politics in The Supermarket: Political Consumerism As a Form of Political Participation". *International Political Science Review*, Vol 26, No 3: pp.245-269 .
- Wellman, B. (2001). "Does the Internet Increase, Decrease, or Supplement Social Capital?", *American Behavioral Scientist*, Vol. 45(3), Nov., pp. 436-455.

